

دو فصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۲۹، پیاپی ۱۱۴، بهار و تابستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۳۱۷-۲۹۹

بررسی چگونگی بازتاب جنگ بدر در متون مستشرقان انگلیسی زبان دوره ویکتوریایی^۱

یاسمن یاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

چکیده

انگاره اسلام دین شمشیر، در جهان امروز معتقدان فراوانی دارد. بخش زیادی از فرایند تولید این انگاره، با اهمیتی که نویسندگان سده‌های نخستین اسلامی به غزوات رسول اکرم (ص) دادند، در سیره پیامبر (ص) برجسته‌سازی شد و بخش دیگر را کسانی بازتولید کردند که یا به عمد یا به اشتباه و به دلیل دانش ناقص و نداشتن رویکرد انتقادی از این منابع بهره نادرست بردند. جنگ بدر به عنوان مهم‌ترین غزوه رسول اکرم (ص)، داده‌ای بود که در این فرایند به صورت چشمگیری استفاده شد و بررسی چگونگی این بهره‌برداری می‌تواند از اثر بعضاً تخریبی ایستارهای نادرست بکاهد. از آنجا که نخستین متون تولیدشده مستشرقان که با اطلاع زیاد از منابع اسلامی و بهره‌ارزشمند از آن، در عصر استعمار نگاشته شده است، پس برای گام نخست، بررسی شکل استفاده ایشان از غزوه بدر برای به تصویر کشیدن شخصیت رسول اکرم (ص) می‌تواند اقدامی مفید برای شناخت فرایند تولید انگاره خشونت‌طلبی درباره نبی اکرم باشد. این نویسندگان در جهت اثبات ایستارهای خویش از اسلام و حضرت محمد (ص)، بعضی از وقایع را برجسته‌سازی کردند و بعضی دیگر را به حاشیه راندند؛ بنابراین بررسی این نوع عملکرد در این متون می‌تواند اهمیت شایان توجهی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: غزوه بدر، حضرت محمد (ص)، مستشرقان، عصر ویکتوریا، انگاره خشونت‌طلبی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2023.43522.1664

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1401.32.29.11.7

۲. پسادکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. yari_yasaman@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ انگاره‌های متعددی با ایستارهای متفاوت درباره‌ی نبی اکرم(ص) تولید شده است که یکی از آن‌ها، انگاره‌ی خشونت‌طلبی و جنگ‌طلبی حضرت محمد(ص) است. در این میان، فرایند بهره‌گیری از داده‌های تاریخی برای ایجاد این تصویر از سیره‌ی نبی اکرم(ص) می‌تواند چشمگیر باشد. از آنجاکه برجسته‌ترین داده‌ی تاریخی استفاده‌شده‌ی ایشان، به مهم‌ترین غزوه در زندگی پیامبر(ص)، یعنی غزوه بدر، بر طبق فحوای خود منابع و مآخذ تاریخ اسلام، برمی‌گردد، می‌توان بهره‌گیری از تاریخ برای اثبات انگاره‌ی خشونت‌طلبی را به صورت موردی ارزیابی کرد. جنگی که در سال دوم هجرت رخ داد و از جمله وقایعی است که آیاتی در قرآن در توصیف آن دیده می‌شود. این غزوه بیشترین بازتاب را در تمام متون سیره به خود اختصاص داده است و همچنین می‌توان کاربرد چشمگیر آن را در ایجاد انگاره‌ی جنگ‌طلبی و خشونت‌طلبی در متون مستشرقان به وضوح دید.

علت بررسی این انگاره در متون تولیدشده‌ی عصر ویکتوریا، به شاخصه‌های این متون باز می‌گردد. این دوره تاریخی فرصتی مناسب و ارزشمند برای مستشرقان ایجاد کرد تا بتوانند به صورت مستقیم از متون اسلامی قرون نخستین و منابع دست اول اسلامی بهره بگیرند. در همین دوران منابع مهم اسلامی همچون مغازی، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و دیگر آثاری از این دست، به زبان‌های مختلف اروپایی ترجمه شد (نعمانی و الندوی، ۱۹۱۷). همین امر سطح متفاوتی از شناخت را فراهم آورد و در نتیجه، توقع ویژه‌ای ایجاد کرد که با در دسترس بودن این منابع و کسانی که امکان مطالعه و بهره‌گیری از این متون را دارند، پس متون تولیدشده باید قابل اعتمادتر و قابل اتکاتر باشد. این واقعه موجب اعتماد بیشتر نسبت به کسانی شد که ادعای بهره‌گیری از این منابع را داشتند؛ بنابراین، بررسی آثار ایشان می‌تواند آسیب‌شناسی مفیدی در این زمینه باشد و کمک کند اثر این گفتمان تولیدشده در عصر ویکتوریایی با نگاه منتقدانه بازنگری شود.

پیشینه تحقیق

آثار پژوهشی متعددی در فارسی و زبان‌های دیگر، متون تولیدشده درباره‌ی نبی اکرم(ص) را بررسی کرده‌اند که بعضی از آن‌ها آثار دوره ویکتوریایی را مدنظر ویژه قرار داده‌اند. آثاری مانند مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان از آغاز تا شورای دوم واتیکان (۱۹۶۵م)، اثر مرتضی اسعدی، عنوان محمد(ص) در اروپا داستان هزارسال افسانه‌سازی و دروغ‌پردازی در غرب (۱۳۸۲) نگاشته‌ی مینو صمیمی؛ *Islam and the West* نوشته‌ی نورمن دانیل؛

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۳۰۱

Islam in European Thought اثری ماندگار از آلبرت حورانی (Hourani, 1980) که متعددبودن این پژوهش‌ها مجال معرفی تمامی آن‌ها را در این مقاله ناممکن می‌کند (نک. یاسمن یاری، ۱۳۹۸: ۳۰۶-۲۸۱).

در این میان آثار بنت با نگاهی نقادانه‌تر و با تمرکز کامل بر نویسندگان عصر ویکتوریا نزدیک‌ترین متن به پژوهش حاضر است. کلیتون بنت^۱ در دو کتاب (*In search of Muhammad* و *Victorian Images of Islam* (Benett, 2009) و سعی می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد:

مسیحیان عصر ویکتوریا چه مفهوم الهیاتی از اسلام داشتند؛
آیا مسیحیان قرن نوزدهم صرفاً تصورات قرون وسطایی و منفی نسبت به اسلام در ذهن می‌پروراندند؛

آیا آن‌ها روش‌های جدید براساس تحقیق از منابع و متون دست اول پیش گرفته‌اند؟
البته هیچ‌کدام از این آثار شکل عملکرد نویسندگان عصر استعمار، در به تصویرکشیدن یک واقعه تاریخی مهم از زندگی رسول اکرم (ص) برای ایجاد یک انگاره خاص را بررسی نکرده‌اند، کاری که با رفتن به لایه‌های پنهان‌تر متون، به شناخت عمیق‌تر و منطقی‌تر عملکرد مستشرقان کمک خواهد کرد.

برجسته‌سازی خشونت‌طلبی به‌عنوان یک انگاره درباره پیامبر اسلام (ص)

انگاره را می‌توان به‌مثابه یک سازه تعریف کرد که مضمون آن به خودی خود، مجموعه‌ای از تصویرهایی است که از جنبه‌های گوناگون واقعیت در ذهن فرد وجود دارد (مولانا، ۱۳۷۵: ۱۰). انگاره‌های ذهنی می‌توانند در شکل‌گیری مفاهیمی مانند «من» و «دیگری» نقش به‌سزایی داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۶۱). همچنین ذهنیت می‌تواند در تعامل معکوس با عینیت قرار گیرد و فرد در آینه ذهن خود واقعیتی غیر از واقعیت را بسازد و در نتیجه انگاره‌های القایی یا توهمی را به‌عنوان واقعیت در نظر بگیرد (عاملی و حجاری، ۱۳۹۷: ۱۰۷-۸).

این مدعا وجود دارد که آنچه در متون غربی از قرون وسطی تا پایان دوره استعماری بازتاب یافته است، در حقیقت انگاره‌های ذهنی است که در بسیاری از موارد در تقابل با عینیت قرار می‌گیرد. این مدعا در حقیقت با پذیرش اولیه نظریه ادوارد سعید در مبحث شرق‌شناسی شکل گرفت. ادوارد سعید نظریه‌ای مشهور را در کتاب *شرق‌شناسی* ارائه داد که بر پایه قبول نظریه «خود» و «دیگری» میشل فوکو بود. در این تئوری، نوعی تصور و عقیده

1. Clinton Bennett

جمعی وجود دارد که اروپایی‌ها را به‌عنوان «خودی» در مقابل «دیگری» یا همان غیر اروپایی‌ها هویت می‌بخشد. این نوع تفکر نوعی برتری و دست‌بالایی را برای غربی‌ها فراهم می‌آورد (سعید، ۱۳۷۷: ۲۳). از دید وی همه آنچه در شرق توسط غرب شناخته می‌شد، تحت فضای اندیشگانی استعماری مطابق با تأیید تئوری سلطه، شکلی جدید گرفت.

در این راستا هر پدیده‌ای در شرق با پدیده متناظر و فهمیدنی آن در غرب مقایسه می‌شد، پس حضرت محمد(ص) در مقایسه با حضرت عیسی(ع) شناخته شد. در نتیجه پیامبر اکرم(ص) باید تمام ویژگی‌های مسیح(ع) را به‌صورت معکوس در خود می‌داشت تا به اصطلاح، یک نمونه بدل از حضرت عیسی(ع) باشد؛ بنابراین، تصویری برای ذهن مسیحیان اروپایی ایجاد کردند و هرگز به دنبال ارائه واقعیت نرفتند (همان: ۱۱۴-۵). به این‌گونه پیامبر اسلام در نظریه ادوارد سعید، یک تصویر ساخته‌شده برای غربی است که اسلام را دشمن می‌داند و چون اسلام دشمن، بخشی از شرق فرودست در مقابل اروپایی برتر و مسلط است، در نتیجه تصویری شکل می‌گیرد که اولاً تنها یک تصویر است و هیچ همتی بر یافتن واقعیت و بازتاب دادن آن وجود ندارد؛ دوم باید در مقابل حضرت مسیح(ع) تعریف شود، پس با پیش‌فرض دروغین بودن ایشان تصویر شکل می‌گیرد و چون باید اسلام را در حال در انقیاد درآمدن در مقابل اروپا نشان دهد پس این تصویر بایستی این‌ایستایی، شکست‌پذیری و ناکارآمدی را به نمایش بگذارد.

اعتقاد به خشونت‌طلبی در انگاره‌سازی درباره پیامبر(ص) در وهله نخست به نوع رویارویی یا آشناسدن غرب با اسلام بازمی‌گردد. مینوی معتقد است شناخت اروپا از اسلام و پیامبر این دین به جنگ‌های صلیبی برمی‌گردد و در نتیجه از همان آغاز با بغض و نفرت همراه بوده است (مینوی، ۱۳۴۸: ۱). محمد البهی نیز بیان می‌دارد که ابتدای کار شناخت از جنگ‌های صلیبی و در نتیجه با دشمنی بوده است (البهی، بی تا: ۱۱)؛ بنابراین دور از ذهن نیست که غربی که اسلام را در گام نخست با شمشیر و جنگ شناخته است، نخست با همین ذهنیت به سراغ شناخت پیامبر این دین برود و اولین مؤلفه در انگاره‌سازی خود را به خشونت‌طلبی و جنگ‌طلبی اختصاص دهد.

در یکی از نخستین متن‌های به دست آمده از این نوع، گفت‌وگویی بین یک نو مسیحی و چند یهودی در حال اتفاق افتادن است و خبری داده می‌شود که پیامبری دروغین در میان اعراب ظهور کرده است. فریبکاری که با شمشیر و ارابه جنگی کار خویش را انجام می‌دهد و چیزی مگر خون‌ریزی و کشتن بشر از او نخواهد دید. (Sebayang, 2016: 69) این تصویری است که در همان قرون اولیه در حال ساخته شدن است و در سال‌های بعد و سده‌های پس از

آن ادامه می‌یابد.

سال‌ها گذشت و اروپا تحول‌های بزرگی به‌ویژه در حوزه فکری به خود دید، اما انگاره‌سازی درخصوص پیامبر اسلام در این مؤلفه خاص تغییر نکرد. در دوره رنسانس نیز اسلام دین ترک‌ها دانسته می‌شد. مارتین لوتر ترک‌ها را پرستندگان شیطان و نفرین‌شده از سوی خدا توصیف می‌کند (Martin). در آثار این زمان حضرت محمد(ص) پیامبر ترک‌ها خوانده می‌شود (Uddin, 1960:15).

ریچارد نول^۱ در سال ۱۶۰۰م یعنی چند قرن بعد کتابی به نام *تاریخ عمومی ترکان* را نگاشت و اعلام کرد که تاریخ حیات محمد را درج‌کردن، امری عبث خواهد بود و می‌توان به‌راحتی مسلمانان را با مطالعه اخلاق و رفتار ترکان شناخت و این به‌مراتب از شناخت قرآن واجب‌تر است. او قرآن را سرشار از تصاویر خیالی و اساطیر موهوم می‌دانست و شرارت ترک‌ها را همان شرارت اسلام و در نتیجه همان شرارت محمد قلمداد می‌کرد (KNOLLES:16-17).

سرانجام در قرن هجده نویسنده و محقق به نام ادوارد گیبون^۲ (۱۷۳۷ – ۱۷۹۴) با نگاشتن کتاب مشهور خود به نام *تاریخ انحطاط و سقوط امپراتوری روم*، در ۶ مجلد، به‌عنوان یکی از مشاهیر رجال و علمای عصر روشنگری، ایستاری متفاوت و چشمگیر درباره دین اسلام و پیامبر این دین ارائه داد. انگاره‌های او در قرن نوزدهم بر نویسندگان این حوزه تأثیری شگرف داشت.

نورمن دانیل او را آغازگر حرکت جدید در توجه همدلانه به اسلام و پیامبر این دین می‌داند (همان: ۱۳۳)؛ اما همین گیبون نیز همان اندیشه قرون وسطایی که پیروزی حضرت محمد(ص) را نتیجه این می‌داند که در یک دست او شمشیر و در دست دیگر او قرآن بوده است، تکرار می‌کند. اگرچه کمی کلام خود را متعادل‌تر می‌کند و پیروزی حضرت محمد(ص) بر امپراتوری روم را نتیجه نبوغ وی و سیرت ملت و روح مذهب وی می‌داند و این رخداد را انقلاب می‌خواند (گیبون، ۱۳۵۳: ۱۰۹۷).

این نگرش ادامه می‌یابد و در عصر ویکتوریا که اوج دوره استعماری نیز محسوب می‌شود شاهد بازتولید آن هستیم. در این میان ایستار مغرضانه بیشترین تمرکز را بر گزینه خشونت‌طلبی مسلمانان دارد و آن را به‌صورت جدی برجسته می‌کند تا مقاومت مسلمانان در مقابل استعمار یا فتوحات ایشان در قرن‌های گذشته را توجیه کند.

1. RICHARD NULL
2. EDWARD GIBBON

زومیر در کتاب از هم پاشیدگی/اسلام می‌گوید که همه سنت‌های مربوط به لشکرکشی‌های نظامی محمد(ص) تبدیل به یک لکه ننگ ابدی قانونی شد و این سنت‌ها قوانین جنگی و نظامی مسلمانان را تا به امروز شکل داده است و نتیجه نهایی آن را می‌توان در قتل‌عام ارمنیان^۱ و جنگ‌های اخیر دید (ZWEMER,1900:33). تیسدال نیز همین ادعا را به شکل دیگری مطرح می‌کند. او می‌گوید که اسلام در طول تاریخ تنها با قدرت شمشیر گسترش پیدا کرد و این امر تا حد زیادی ادامه یافت و به‌عنوان یک ابزار تا به امروز استفاده شده است، اما این واقعه در هند ادامه نخواهد یافت، چون دیگر شمشیر در این سرزمین اسلام را حمایت نمی‌کند. شکوه و جلال پیروزی حاصل از منطق قوی شمشیر، یادگاری از مذهب محمد بود که برای مسلمانان باقی ماند (Ibid: 7). مویر همین انگاره را به‌صورتی واضح‌تر باز به تصویر می‌کشد:

«شمشیر محمد و قرآن، دو دشمن لجوج تمدن، آزادی و حقیقت هستند که جهان تاکنون شناخته است.» (Muir,1378: 535)

این موضع در کتاب‌هایی که سعی داشتند تصویری از پیامبر را ارائه دهند به شکل‌های مختلف و پرتکرار مشاهده می‌شود. در این میان، بعضی از این آثار با ایجاد تصویری از جنگ‌های پیامبر(ص) تلاش کردند این انگاره را به صورتی علمی، تاریخ‌نگارانه و باورپذیر به خواننده نشان دهند. یکی از این جنگ‌ها، جنگ بدر بود.

چگونگی بهره‌گیری از واقعه بدر در ایجاد انگاره خشونت‌طلبی و جنگ‌طلبی برای نبی اکرم
خصوصیات این جنگ، بیشتر از نبردهای دیگر، برای افرادی کمک‌کننده بود که انگاره خشونت‌طلبی را درباره پیامبر(ص) تولید کردند، در حالی که چند جنگ بزرگ دیگر در

۱. مسئله تاریخی که اشاره به کشتاری است که در جریان جنگ جهانی اول اتفاق افتاد. کوچ اجباری ارمنیان در ۱۹۱۵م موجب شد که جمعیت زیادی از ایشان از سرزمین‌هایی که در آن ساکن بودند نقل مکان کنند. این کوچ اجباری منجر به قتل بسیاری از ارمنیان شد که آمار دقیق آن و چگونگی رخداد آن در متون تاریخی و ضوح کامل ندارد. ارمنه خود معتقد به کشته شدن دو میلیون نفری از جمعیت خویش هستند. این آمار براساس مدارک می‌تواند جمعیتی بین صد هزار تن تا یک میلیون و سیصد هزار نفر را شامل شود. این تصور وجود دارد که این کشتار نقشه‌ای سیاسی و از پیش تعیین شده بوده است. همین تصور نیز در غرب پذیرفته شد و در کمیسیون اروپایی تأیید شد، اما در همین زمان و در این جنگ ۶ میلیون نفر از تمام اقوام ساکن در امپراتوری عثمانی بر اثر قیام‌های گوناگون، حملات گروه‌های راهزنی، کشتارهای دسته جمعی و قتل‌عام‌های متقابل، قحطی و نیز در اثر تجاوزات وحشیانه و ویرانگر خارجی کشته شدند و نمی‌توان به‌صورت قطعی دلیل کشتار ارمنه را توضیح داد (نک. استنفورد جی شاو، ۱۳۷۵: ۵۳۰-۳).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۳۰۵

کارنامه جهاد ایشان وجود داشت، مؤلفه‌هایی از این جنگ، باعث شد که غزوه بدر در متون مستشرقان به صورت وسیع برجسته‌سازی شود. یکی از این شاخصه‌ها به اعتباری بازمی‌گردد که خود مسلمانان برای این جنگ در متون خود قائل شدند.

در کتاب *انساب الاشراف* جمله‌ای از قول نبی اکرم (ص) درباب شرکت‌کنندگان در این غزوه آمده که می‌تواند گویای اهمیت بسیار این نبرد نزد مسلمانان در صدر اسلام و قرون نخست اسلامی باشد. این قول در باره کسی است که به مسلمانان خیانت کرده و خیر ایشان را برای قریش می‌فرستد و چون دستگیر می‌شود و راز وی فاش می‌گردد، عمر بن خطاب از نبی اکرم (ص) می‌خواهد که او را بکشد و حضرت می‌فرماید:

«فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: او ليس هو من اهل بدر؟ ما ندرى لعل الله قد اطلع

على اهل بدر، فقال: اعملوا ما شئتم، فقد اوجبت لكم الجنة.» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۹۶)

«آیا او از اهل بدر نیست؟ چه بسا خداوند به اهل بدر نگرست و فرمود هر چه می‌خواهید

بکنید که من بهشت را بر شما واجب کردم.»

مورد دیگر به تأثیر نتیجه جنگ بر مردمان مدینه بازمی‌گردد. در کتاب ابن هشام به وضوح تصویر می‌شود که چگونه پیروزی در این نبرد برای مردمان این شهر از مسلمان تا یهود و منافق عجیب بوده و حیرت ایشان را برانگیخته است. ابن هشام، ۱۳۸۳: ۲۹۶) همین حیرت در مکه نیز ایجاد شده بود به حدی که خبرآورنده شکست مکیان در مقابل مسلمانان چندین بار به عنوان یک دروغ‌گو کتک خورد (همان: ۳۰۰). واقدی نیز در کتاب *المغازی* اهمیت بدر را چنین توصیف می‌کند که این پیروزی خوارکننده مشرکان، منافقان و یهود بود.

او می‌گوید که دیگر هیچ یهودی و منافقی در مدینه نماند مگر اینکه در مقابل فتح بدر سر فرود آورد. همچنین اذعان می‌دارد که خداوند پس از صبح بدر، کفر و ایمان را جدا فرمود و اینکه یهود اعتراف داشتند که از این پس پرچمی برای محمد برافراشته نمی‌گردد، مگر اینکه پیروز شود، (واقدی، بی تا: ۹۰) اما باید دید که نویسندگان عصر ویکتوریا چگونه سعی می‌کنند از این نبرد برای ایجاد تصویری از پیامبر اسلام (ص) استفاده کنند.

مؤلفه‌های برجسته‌شده و به حاشیه رفته در شرح چگونگی شروع جنگ

در منابع اسلامی دلایل آغاز غزوه بدر به گونه‌ای است که به راحتی مورد استفاده مستشرقان برای تولید انگاره خشونت‌طلبی درباره حضرت رسول (ص) قرار گرفته است. طبری این گونه می‌نویسد که ابوسفیان با کاروان قریش از شام بازمی‌گشت و پیامبر (ص) از این موضوع خبردار شد و به یاران خویش از مال کاروان و تعداد کم مردان سخن گفت و این گونه به طلب ابوسفیان و کاروان وی و یافتن غنائم از مدینه خارج شدند.

در تاریخ طبری به‌وضوح بیان می‌شود که یاران حضرت محمد(ص) گمان از کسب غنائم داشتند و فکر نمی‌کردند که جنگی رخ دهد (طبری، ۱۳۷۵: ۴۹۵). این موضوع در خود قرآن مجید نیز ذکر شده است. در آیه هفت سوره مبارکه انفال چنین آمده است:

«وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنْ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَه تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»

«به یاد آر هنگامی که خدا به شما وعده فتح بر یکی از دو طایفه را می‌داد (غلبه بر سپاه قریش یا کاروان تجاری شام) و شما مسلمین مایل بودید که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند نصیب شما شود و خدا می‌خواست که حق را با سخنان خود (که وعده پیروزی حق را داده است) ثابت گرداند و از بیخ‌وبن ریشه کافران را برکند.»

همین توصیف از آغاز غزوه بدر به دست مستشرقان برجسته‌سازی می‌شود. ویلیام مویر (۱۸۱۹-۱۹۰۵) با رویکرد سوگیرانه و ایستار مسیحیت تبشیری-استعماری، در کتاب مفصلی که درباره پیامبر اسلام(ص) نگاشته است، به‌وضوح به این اشاره می‌کند که این تمنای زیاد برای دستیابی به ثروت موجود در کاروان تجاری قریش بود که جمع فراوانی از مسلمانان را در این جنگ جمع آورد (Muir, 1858: 222). مویر ادعا دارد که عشق به غارت و ماجراجویی در عرب یک شهوت خاموش‌نشده بود که توانست نه تنها همه مهاجران را اغوا کند، بلکه عده کثیری از اهل مدینه را نیز با محمد همراه کرد (Ibid:224).

ادیت هلند نیز به سودای غنیمت در مسلمانان برای اقدام اولیه لشکرکشی به سمت کاروان اشاره می‌کند (Holand, 1914: 39). جورج بوش سخن خود را با این مدعا آغاز می‌کند که روح تندخو، متعصب و خون‌ریز محمد در دوره مدنی آغاز می‌شود. پس از آن چون به جنگ بدر می‌پردازد، از کاروانی مملو از امتعه می‌گوید که حس خون‌خواهی، حرص و آز محمد را با هم تحریک کرد (Bush, 1837: 113). جورج بون نیز به حس خون‌خواهی و حرص و آز در محمد و سهل‌الوصول‌کردن دستیابی به کاروان اشاره می‌کند (BOWEN, 1856:60).

چارلز میلز این انگیزه ابتدایی را با تأکید بر حس انتقام‌جویی به تصویر می‌کشد. او سعی می‌کند بر خشم ناشی از آزار و اذیت‌هایی متمرکز شود که مسلمانان از قریش دیده‌اند و جالب است که تلاشی برای اشاره به دستیابی مسلمانان به ثروت مال‌التجاره قریش ندارد (MILLES, 1818:23). درایکوت نیز همین اعتقاد را دارد. او از عزم محمد برای انتقام و گرفتن تاوان همه آنچه مکیان با او کردند، می‌گوید (Draycott, 1916:156).

او در جای دیگر این مدعا را مطرح می‌کند که بدر بر پذیرش جنگاوری به‌عنوان یک روش تبلیغی مهر می‌زند. از این پس شمشیر برای مسلمان نه آلتی ترسناک، بلکه تابناک و

روشن بود که می‌توانست با آن خواست خداوند را جاری کند (Ibid:171). اما نکته دوم این واقعه بازمی‌گردد به فرار کاروان تجاری و اینکه خیلی زود مسلمانان متوجه شدند که با یک کاروان تجاری سهل‌الوصول روبه‌رو نیستند و در عوض لشکری با سه برابر جمعیت خودشان و تجهیزاتی فراوان به‌سوی ایشان می‌آید که رویارویی با آن امکان اضمحلال صددرصد مسلمانان را در پیش دارد. امری که به‌صراحت در قرآن بیان شده است. در آیه ۶ سوره انفال به این موضوع اشاره دارد که بعضی از اصحاب شرکت در این جنگ را با مرگ خویش برابر می‌دانستند:

«يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ»

«آن‌ها پس از روشن شدن حق، باز با تو مجادله می‌کردند و چنان ترس و وحشت آن‌ها را فراگرفته بود که گویی به‌سوی مرگ رانده می‌شوند و آن را با چشم خود می‌نگرند!» در منابع اسلامی از خطر قریب‌الوقوع جنگ گفته شده است که باعث می‌شود پیامبر(ص) از یاران خود نظرسنجی کند. نظر چند نفر از یاران در این متون تاریخی بازتاب می‌یابد که یکی از آن‌ها نظر سعدبن معاذ است که در زیر آورده می‌شود:

«سعد گفت: ما به تو ایمان آوردیم و تصدیقت کردیم و شهادت دادیم که دین تو حق است و عهد و پیمان کردیم که مطیع تو باشیم اکنون هر کجا اراده فرمایی برو، قسم به خدایی که تو را به حق فرستاده، اگر ما را سوی دریا ببری و در آن فرو روی ما نیز با تو فرو شویم و هیچ کس از ما باز نماند، از مقابله با دشمن باک نداریم و به هنگام جنگ صبوریم و به هنگام برخورد راست‌گفتاریم، شاید از رفتار ما خرسند شوی، به برکت خدای ما را پیش ببر.» (طبری، ۷: ۱۳۷۵-۳۶؛ واقدی، ۱۳۷۴: ۱۱)

این سخنان نشان می‌دهد که از جایی مسلمانان کاملاً به وضعیت وخیم موجود آگاهی داشتند. نویسندگان انگلیسی‌زبان نیز این قضیه را می‌دانستند و به آن اشاره می‌کنند. درایکوت اذعان دارد که قریش تقریباً مطمئن بود که پیروز این میدان است (Draycott, 1916: 156). او یادآور می‌شود که مسلمانان امید شهادت داشتند و آرزو می‌کردند که خون خود را در این راه مقدس فدا کنند. البته توضیح می‌دهد که این احساس به‌واسطه تشجیع و تحریک محمد بوده است (Ibid: 159).

چارلز میلز نیز به اشتیاق و شجاعت و نترسی سپاه مسلمانان با وجود تفاوت آشکار در تعداد افراد در دو سپاه اشاره می‌کند (Milles, 1818: 23). جان استون معتقد است که با وجود دو دستگی در سپاه قریش، پیروان محمد هیچ پشیمانی از اقدام به لشکرکشی نداشتند و محمد به‌جرت آتشین اصحابش اعتماد کامل داشت (Johnstone, 1901: 92). استون داستان نوجوانی

را بازگو می‌کند که مشتی خرما در دست داشت و آن را به سوی دشمنان پرتاب کرد و گفت این‌ها در بهشت به من خواهد رسید و با شجاعت به صف دشمنان حمله برد و در نهایت به شهادت رسید (Ibid:93).

این‌گونه داده‌ها که خود مستشرقان به آن اذعان دارند، مدعای نخست ایشان را تا حدود زیادی انکار می‌کند. حداقل در بخشی که امید غارت کاروان را برجسته می‌کند. اینکه شوق ایشان به رویارویی با سپاهی بزرگ، نشان می‌دهد که شوق مسلمانان به پیروزی اسلام خیلی بیشتر از غارت یک کاروان بوده است. البته بعضی از این نویسندگان به شجاعت مسلمانان برای شرکت در جنگ اشاره می‌کنند، ولی حاضر نیستند از این عقیده که اصل هدف مسلمانان غارت یا انتقام‌جویی بوده، دست بردارند.

برای مثال مویر اذعان می‌کند که محمد افتخار پیروزی در مقابل چنان ارتشی را غنیمت می‌دانسته است (Muir, 1858:23). درایکوت توضیح می‌دهد که قهرمانان به امید شهادت نفس می‌کشیدند و هر کس آرزوی آن داشت که در میان نخستین کسانی باشد که خون وی در این راه مقدس ریخته می‌شود. آن‌ها بر شتران یا پای پیاده به نبرد می‌رفتند (Draycott, 1916: 160).

نکته مهم دیگر اشاره بسیار محدود به تصمیم سپاه قریش به جنگ با مسلمانان با وجود آگاهی از نجات کاروان تجاری است؛ درحالی‌که منابع اسلامی به‌صورت مفصل این موضوع را مطرح می‌کنند. این تصمیم قریش تا حدی کنش سپاه اسلام را به‌عنوان یک عکس‌العمل تفسیر می‌کند. موردی که بیشتر منابع اسلامی به آن اشاره کرده‌اند، اما کتاب‌های مستشرقان اغلب آن را به حاشیه رانده‌اند. ابن‌هشام به‌خوبی این تصمیم قریش و عملکرد ایشان را به تصویر می‌کشد. اینکه نامه فرار کاروان و در امنیت قرار گرفتن آن به سپاه قریش می‌رسد و همه رغبت بازگشت پیدا می‌کنند، اما ابوجهل تصمیم دیگری دارد و همه را با خود همراه می‌کند. ابوجهل در خصوص این تصمیم چنین می‌گوید:

«از این منزل باز نگرديم تا پيش تر به سر آب بدر رويم و سه روز در آن جایگاه نزول کنیم و طرب و نشاط کنیم و مطربان با خود ببريم و خمر خوريم و اشتران را بکشيم و قبایل عرب که در آن نواحی اند بخوانيم و ایشان را مهمانی کنیم و ایشان را خلعت و تشریف دهيم و چند روز به این عیش به سر بریم و آن وقت بازگردیم که آوازه ما به جمله قبایل عرب برود و بر همگان معلوم شود و هیبتی از آن ما در دل‌ها نشیند و تا جاوید کسی نیارد که قصد قریش کند و هیچ لشکر به ایشان مقاومت نیارد کردن.» (ابن‌هشام، ۱۳۸۳: ۲۷۷)

سخن ابوجهل ثابت می‌کند که با وجود نجات کاروان، قریش برای نابودی مسلمانان و

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۳۰۹

نشان دادن جایگاه خود در شبه جزیره تصمیم به نبرد می‌گیرد. درایکوت به شک قریش برای ادامه اشاره می‌کند و اینکه گروهی از قریش در نهایت پیروز می‌شوند که اعتقاد دارند باید محمد تنبیه گردد و ترس و رعب به جان وی افتاد (Draycott, 1916: 159). درایکوت اذعان دارد که این امید در سپاه قریش بوده است که می‌تواند با عده چندین برابری خود ارتش مسلمانان را به کلی نابود کند (Ibid:156).

البته او هیچ گواهی از منابع اسلامی نمی‌آورد، در حالی که مطالعه منابع به‌وضوح داده‌های کافی برای این مدعا ارائه می‌دهند. ادیث هلند بیان می‌دارد که ابوسفیان دشمن سرسخت محمد بوده و چیزی مگر مرگ محمد را نمی‌خواست است (Holand, 1914: 38). ایروینگ نیز به ادامه لشکرکشی قریش با وجود آگاهی از امنیت یافتن کاروان تجاری اشاره می‌کند و دلیل آن را ضربه‌زدن به محمد و یارانش می‌داند و اینکه می‌توان محمد را تنبیه کرد و همچنین انتقام چند کشته‌ای که پیش از این به دست مسلمانان کشته شده بودند را گرفت (Washington, 1850: 68). همه این‌ها نشان می‌دهد که سپاه قریش طمع نابودی اسلام را داشتند و در نتیجه با اصرار به جنگ، به بدر می‌آیند. البته تفاوت سپاه نیز این طمع را طبیعی می‌کند. هیچ دشمنی با این همه برتری که در دست دارد و شانس بالا برای پیروزی، از جنگ و حتی نابودی سپاه دشمن خود صرفه‌نظر نمی‌کند.

به حاشیه‌راندن عوامل فراطبیعی جنگ بدر در کتب مستشرقان

اغلب آثاری که جنگ بدر را با تفصیل توصیف کرده‌اند، از شرایط برتر زمینه‌ای مسلمانان سخن به میان آوردند، از دسترسی مسلمانان به چاه‌های آب و توفیق‌نیافتن قریش برای دست یافتن به آب گفتند، بارانی که عامل بازدارنده‌ای برای قریش شد و اینکه سپاه مکه در جای نامناسبی اردو زده بود و این امر توان حرکتی ایشان را به دلیل گیرکردن در گل و لای کم کرد و در نهایت طوفانی که در جریان جنگ درگرفت و جهت آن به نفع مسلمانان و به ضرر قریش بود، اما نکته مهم واکنش ایشان در مقابل توضیح این رخدادها در قرآن است.

برای مثال مویر به‌عنوان کسی که مفصل‌ترین روایت را از جنگ بدر ارائه می‌دهد و بسیاری از نویسندگان پس از او گاهی حتی عیناً مطالبش را بازگو کرده‌اند، رخدادها را این‌گونه توضیح می‌دهد که روز نبرد بدر، روزی طولانی و بادانی در زمستان بود. محمد از این شرایط بهره برد و ادعا کرد که جبرئیل با چند هزار فرشته به کمک سپاه او آماده است. توضیح وی دقیقاً شرحی است که در منابع اسلامی درباره چگونگی مشارکت جبرئیل و فرشتگان در غزوه بدر بازتاب یافته است.

مویر از پرتاب مшти شن به سوی قریش از سوی محمد و فریاد محمد که با این شن‌ها گنج شوید، اشاره می‌کند. او حتی توضیح می‌دهد که پس از آن، طوفان شنی آمد که دید قریشیان را کاملاً گرفتار مشکل کند و به سمتی می‌وزید که مسلمانان را به هیچ وجه آزار نداد. در نهایت ادعان می‌کند که تمام این وقایع منجر به متزلزل شدن سپاه قریش و مزاحل شدن ایشان شد (Muir, 1858:235).

مویر از اهمیت این پیروزی می‌گوید و اینکه چطور محمد از این پیروزی به نفع خویش با مدعا‌هایی که همه چیز را به معجزه ربط می‌داد، بهره برداری کرد. به گونه‌ای که از پس این نبرد، محمد جایگاهی رفیع در مدینه یافت (Ibid: 243). این مرد توانست با مطرح کردن نقش الهی در حمایت از وی برای پیروزی در نبردی کاملاً نابرابر و معجزه جلوه‌دادن آن تا حد زیادی به نفع خود بهره‌برداری کند (Ibid: 245).

تیسدال در حالی که از جنگ بدر هیچ روایتی نمی‌آورد، تنها با اشاره به اعتقاد مسلمانان به معجزه‌بودن پیروزی در بدر آن را رد می‌کند و با عبارت هیچ‌کس فرشتگانی را که محمد ادعا می‌کرد ندیده است و اینکه بت‌پرستان پیروزی‌های بزرگ‌تری را داشتند، قضیه را به پایان می‌آورد (STIDALL, 1895: 138). جان استون توضیح می‌دهد که چگونه محمد یک روز زمستانی عادی را که همراه با طوفان بود، به گونه‌ای برای پیروان خویش جلوه داد که این باد و طوفان حاصل از بال‌زدن‌های لژیونی از فرشتگان است که جبرئیل و میکائیل آن را رهبری می‌کنند (Johnstone, 1901:54). جورج بون نیز تأکید می‌کند که محمد تمام تلاش خود را کرد که هر رخدادی را به یاری خداوند نسبت دهد و عوامل انسانی و طبیعی آن را نادیده بگیرد (BOWEN, 1856:61).

عوامل برجسته‌شده یا به حاشیه‌رفته در عملکرد نبی اکرم نسبت به اسرا

بخش دیگری که در کتاب‌های مستشرقان برجسته می‌شود، به بعد از پیروزی سپاه اسلام تعلق دارد، جایی که نوع برخورد مسلمانان با اسیران بازتاب می‌یابد. در این قسمت، تأکید اصلی بر اعدام چند تن از این اسرا قرار می‌گیرد. جرج بون از برهنه‌کردن اجساد قریش می‌گوید و رفتاری که بربرانه و وحشیانه توصیف می‌کند و اینکه چگونه همه این اجساد در گودالی دسته‌جمعی انداخته می‌شود، سپس از اعدام دو تن از اسرا می‌گوید و البته اشاره می‌کند که این دو فرد از منفورترین اسرا بودند و در آخر، با بیان رقم فدیة از آزاد شدن اسرای دیگر در قبال پول صحبت می‌کند (Ibid:63).

جورج بوش نیز از همین الفاظ بهره می‌گیرد. او نیز از برهنه‌کردن اجساد، رفتار ددمنشانه

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۳۱۱

با اسرا و گرفتن فدیة در ازای آزادی یاد می‌کند (Bush, 1837: 115). استبارت توضیح می‌دهد که اسرا در همان منطقه اعدام شدند و از تعداد حرفی نمی‌زند. سپس می‌نویسد که اسرا در کمال خونسردی به دام مرگ رفتند و در غروب این نبرد محمد حکم کشتار فجیعی را صادر کرد.

حتی دو روز بعد یکی از اسرا به نام عقبه در کمال خونسردی به قتل رسید، سپس اذعان می‌دارد که بعد از بحث و ستیز بر سر غنائم قانون خمس برقرار شد (STOBART, 1878: 156)، اما مفصل‌ترین و جالب‌ترین توصیف از چگونگی رفتار با اسرا به ویلیام مویر تعلق دارد. مویر در کتاب خود می‌نویسد که بلافاصله بعد از پایان جنگ، بعضی از اسرا بی‌رحمانه به قتل رسیدند و این نشان دهنده روح وحشی مسلمانان بود. از تقاضای بلال برای کشتن اسرا و درخواست عبدالرحمن عوف برای رحم به ایشان می‌نویسد و بعد می‌گوید که با وجود همه این‌ها با دو اسیر دیگر مثله شدند (Muir, 1858:236). مویر با جزئیات از اعدام نضر بن حارث می‌گوید و جملاتی که به کار می‌برد به گونه‌ای است که انگار توصیفی ادبی را ارائه می‌دهد، اما هیچ اشاره‌ای به دلیل این اعدام نمی‌کند (Ibid: 241).

بعد از کشته شدن یکی دیگر از اسرا می‌نویسد و باز با تعبیری تلخ این عمل را توصیف می‌کند. او علت اعدام را شکایت این اسیر از بدرفتاری به او نسبت به دیگران می‌گوید و می‌نویسد، اما فاتح بدون قلب، بی‌هیچ ترحمی آن مرد را به قتل رساند. مویر ادعا می‌کند که محمد به کشتار همه اسرا تمایل داشت و این ابوبکر بود که به واسطه رحم ذاتی که داشت توانست جلو این کشتار را بگیرد (Ibid: 239). نکته جالب توجه در نگاهش مویر بازتاب رفتار شفقت‌آمیز پیامبر با اسرا است که در ادامه می‌آید، اما او ادعا می‌کند که این رفتار مهربانانه با فکر ایجاد تأثیر بر ایشان بوده تا آن‌ها را به اسلام دعوت کند (Ibid: 2-241).

ادب هلند به مهربانی مسلمانان با اسرا اشاره مستقیم می‌کند، حتی توضیح می‌دهد که سال‌ها بعد یکی از این اسرا چگونه از رفتاری که با او شده بود، سپاسگزار بود و این رفتاری بود که پیش از این در مردمان عرب مشاهده نشده بود (Holand, 1914: 41). درایکوت تنها در حد یک جمله مهربانی با اسرا را می‌گوید و سپس مفصل از تبدیل شدن محمد به یک حاکم و قدرت سیاسی سخن می‌گوید (Draycott, 1916: 170).

یکی از وقایعی که نادیده گرفته می‌شود کمک گرفتن از اسرای با سواد برای آموختن سواد به مسلمانان است. در بعضی از منابع اسلامی آمده است که پیامبر با اسرا قرار گذاشت که هر کس ده کودک از کودکان مدینه را نوشتن بیاموزد، فدیة او بخشیده خواهد شد (واقعی، ۱۳۷۴: ۱۹؛ الذهبی، ۱۴۱۳: ۱۱۹). این بخش از تاریخ در هیچ کدام از آثار غربی‌ها دیده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

انگاره‌ خشونت‌طلبی در اسلام و به‌ویژه در رفتار نبی اکرم(ص) یکی از انگاره‌هایی است که در میان متون تولیدشده‌ مستشرقان غربی، بیشترین بازتاب را داشته و بالاترین تأثیر را بر فضای اندیشگانی عصر حاضر گذاشته است. بخشی از بازتولید این انگاره با به تصویرکشیدن داده‌های تاریخی انجام می‌گیرد، عملی که دستیابی به منابع تاریخی اسلامی قرون نخستین به آن صورت علمی و موجه بخشید. در این میان، جنگ بدر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین غزوات حضرت محمد(ص) مدنظر ویژه قرار گرفت. عنایت خاص متون اسلامی به این واقعه تاریخی نیز به این رخداد کمک کرد. مهم‌ترین بخش از هر متن به‌عنوان یک کنش اجتماعی که می‌تواند نشان‌دهنده‌ قصد نویسنده از نگارش آن متن باشد، چگونگی بهره‌بردن از داده‌های موجود است. برجسته‌کردن بعضی از اطلاعات حول یک موضوع و به حاشیه‌راندن برخی دیگر، می‌تواند نشان دهد که نویسنده از نگاشتن آن متن چه مقصودی داشته است. کتب مستشرقانی که سعی کردند با بازتاب داده‌های تاریخی، تصویری از نبی اکرم(ص) ارائه دهند نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این میان، به تصویرکشیدن جنگ بدر به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نبرد در زندگی پیامبر اسلام، می‌تواند شکل استفاده‌ مستشرقان از داده‌های تاریخی را به نمایش بگذارد.

در بررسی انجام‌شده در این مقاله نشان داده شد که مستشرقان اصل تأکید خویش را بر رخدادهایی متمرکز کردند که خشونت‌طلبی را به تصویر می‌کشید. ایشان هدف دستیابی به یک کاروان تجاری و تاراج آن را برجسته می‌کنند و سعی در توصیف آن به‌صورت غلوآمیز دارند، اما بخش امکان رویارویی با یک لشکر مجهز و چند برابری را کم‌رنگ می‌نمایند و حتی پذیرش این خطر بزرگ را از قدرت تهییج محمد می‌دانند. کینه‌توزی در مسلمانان را برجسته می‌کنند و تلاش فریض برای نابودی مسلمانان و میزان کینه‌ ایشان به حضرت محمد(ص) را به حاشیه می‌رانند. در ضمن هیچ کدام از رخدادهای فرا طبیعی بازتاب داده‌شده در قرآن و منابع اسلامی را نپذیرفته و همه را به وقایع طبیعی ارتباط می‌دهند که محمد آن را بزرگ کرده یا به گونه‌ای دروغین جلوه داده شده است.

این متون با وجود داده‌های بسیار از رفتار مهربانانه مسلمانان با اسرا که پیش از این در بین اعراب هیچ سابقه‌ای نداشته است، بیشترین تأکید خویش را بر کشتن چند اسیر بدون بازتاب دادن علت حقیقی آن می‌گذارند؛ بنابراین به‌صورت واضحی سعی می‌کنند که با وجود به تصویرکشیدن رخدادهای تاریخی غزوه بدر، به گونه‌ای آن را بازتاب دهند که انگاره‌ خشونت‌طلبی در اسلام را برجسته نماید. کنشی که تقریباً درباره‌ اغلب داده‌های تاریخی زندگی پیامبر اسلام مشاهده می‌شود.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۲، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۱ / ۳۱۳

منابع

قرآن کریم.

- ابن‌هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۸۳) *سیرت رسول الله*. تهران: نشر مرکز.
- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷) *انساب الاشراف*، به تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. ط الأولی. بیروت: دار الفکر.
- البهی، محمد (بی تا) *المبشرون و المستشرقون فی موقوفهم من الاسلام*، قاهره: مطبعه الازهر.
- حورانی، آلبرت (۱۳۸۷) *اسلام در تفکر اروپایی*، ترجمه حمید نساج و همکاران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳) *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، به تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ط الثانیه، بیروت: دار الکتب العربی.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۷) *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شاو، استفورد جی (۱۳۷۵) *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، جلد ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صمیمی، مینو (۱۳۸۲) محمد (ص) *در اروپا (داستان هزارسال افسانه‌سازی و دروغ‌پردازی در غرب)*، ترجمه عباس مهرپور، تهران: اطلاعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵) *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ ۵، تهران: اساطیر.
- عاملی، سعیدرضا؛ حجاری، منصوره (۱۳۹۷) «مطالعه انگاره‌های ذهنی شکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران: انگاره‌های شخصی انجمن اسلامی و خویش‌نشان بسیج دانشجویی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱(۳)، ۱۰۷-۸.
- گیبون، ادوارد (۱۳۵۳) *انحطاط و سقوط امپراتوری روم*، ترجمه فرنگیس شادمان (نمازی)، جلد ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مولانا، حمید (۱۳۷۵) «رسانه‌ها و انگاره‌سازی»، ترجمه غلامرضا تاجیک، *رسانه*، ۸(۲)، ۱۷-۱۰.
- مینوی، مجتبی (۱۳۴۸) *اسلام از دریچه چشم مسیحیان*، تهران: حسینیه ارشاد نشر فرهنگ اسلامی.
- نعمانی، شبلی؛ الندوی، سید سلیمان (۱۹۱۷) *دائرة المعارف فی سیره النبی*، بی جا: بی نا.
- واقدی، محمد بن سعد کاتب (۱۳۷۴) *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، جلد ۲، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- واقدی، محمد بن عمر (بی تا) *المغازی*. جلد ۱ و ۲، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یاری، یاسمن (۱۳۹۸) «تأثیر تبشیر بر انگاره‌سازی اسلام‌شناسان انگلیسی‌زبان از پیامبر اسلام (ص)»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۲۹(۲۴)، ۳۰۶-۲۸۱.

English book

- Bennett, Clinton (1998). In search of Muhammad.London:Cassell Academic.
Clinton Bennett(2009).Victorian Images of Islam.Gorgias press.
BOWEN, GEORGE FERGUSON (1856). LIFE OF MOHAMMAD. BOMBAY: L.M. D,SOUZA,S PRESS.
Bush, George (1837). *The life of mohammed founder of the religion of islam,and of the empire of the saracens*. New york..published by Harper & brothers.
Draycott, G. M. (1916). Mahomet founder of Islam.Newyork: Dodd, Mead & company.
Edith, Holand(1914).Mohammad.New york: fredrick A.stokes company.
HOURANI , ALBERT (1990).*Islam in Earopean Thought*. Cambridge University.
Sebayang, alvina br (2016). “incomprehensive understanding about mohammad a critic over orientalist,”Academic journal of islamic studies .volume 1.number1.
WASHINGTON, IRVING(1850).MAHOMET AND HIS SUCCESSORS.PARIS:BAUDY SEUROPEAN LIBRARY.
Johnstone, P.De Lacy (1901).Muhammad and his power.Edenburgh: T.& T. Clark.
MILLES, CHARLES (1818). AN HISTORY OF MUHAMMEDANISM. LONDON: KINGSBURY.
LUTHER, MARTIN. ON WAR AGAINST ISLAMIC REIGN OF TERROR.{
<http://www.lutherdansk.dk>}.
Muir, William (1858).Life of Mahomet,London: Smith, Elder, Co., 15 Waterloo Place
STIDALL, W.ST.CLAIR (1895). THE RELIGION OF THE CRESCENT. . LONDON:SOCIETY FOR PROMOTING CHRISTIAN KNOWLEDGE
STOBART, J.W.H. (1878). ISLAM & ITS FOUNDER.LONDON:SOCIETY FOR PROMOTING CHRISTIAN LNOWLEDGE.
S.M.Imam Uddin(196۷0).*Modern history of the Mideleast and North Africa*.Pakistan:Syndicate press.P.15.
KNOLLES,RICHARD *THE TURKISH HISTORY FROM THE PRIGINAL OF THE NATION TO THE GROWTH THE OTTOMAN EMPIRE*.LONDON:CHURCH IN FLEETSTREET.P.P.16-7.
ZWEMER, SAMUEL M (1916). THE DISINTEGRATION OF ISLAM.LONDON AND EDINBURGH: FLEMING H. REVELL

List of sources with English handwriting

- The Quran.
Ebn Hīšām, A [N.d](1383/2004), *Sīrat ul-Nabawīya*, , Tehran:Markaz.
Al-Balāzurī, Abū al-‘Abbās, Aḥmad b. jābīr (1417), *Ansāb ul-Ašraf*, Research of Sohail Zakkar and Riyad Zarkali, Beirut: Dār ul-Fīkr.
Al Bahi, Mohammed, *Al-Mobašīrūn wa Al-Mostašīrīqūn fī Moqīfīhīm Mī Islam*. Cairo: Al-Azhar .
Zahabī, Moḥammad b. Aḥmad (1413/1993), *Ta’rīk ul-Islam Wa Wafayāt ul-Mašahīr wa al-A‘lam*, The research of Omar Abd al-Salam Tedmri. Beirut: Dār ul-Kītab ul-‘Arabī.
Gibbon, Edward (1353/1974), *The Decline and Fall of the Roman Empire*, Translated by Farangis Shadman (Namazi). Tehran: Bongāh-e tarjoma va našr-e ketāb. Volume III.
Giddens, Anthony (1378/1999). *Sociology*. Translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Nei Publications.
Hourani. Albert (1387/2008), *Islam is European thought, 1798-1939*, Translated by Hamid Nasaj and colleagues, Tehran: Institute for Cultural, Social and Civilization Studies.
Minavi, Mojtaba (1348/1969), *Islam through the eyes of Christians*. Tehran: Hosseinih Eršād Farhang Islamic Publishing House.
Mowlana, Hamid (1375/1996), "Media and image-making," translated by Gholamreza Tajik. Media. eighth year Second Issue.
Said, Edward (1377/1998). *Orientalism*. Translated by Abdul Rahim, Gavahi. Tehran: Farhang Islamic Publishing House.
Shav, Stanford Jay (1996), *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*, Translated by Mahmoud Ramazanzadeh. Mashhad: Āstān Qods Ražavī. The second volume.
Ṭabarī, Moḥammad b. jāīr (1375/1976). *Tārīk-e Ṭabarī*. Translated by Abolghasem Payandeh. Fifth Edition. Tehran: Asāfīr.
al-Wāqīdī ,Abū ‘Abdullāh Moḥammad b. ‘Umar, *Kītab al-maḡāzī*, The first and second volume. Translated by Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran: Academic Publishing Center.
al-Wāqīdī, Moḥammad b. - Sa’d (1375/1976), *al-Ṭabaqāt ul- kobra*, Translated by Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran:Entešārāt-e Farhang va Andīšeh .

English book

- Bennett, Clinton (1998). *In search of Muhammad*. London: Cassell Academic.
Clinton Bennett(2009). *Victorian Images of Islam*. Gorgias press.
BOWEN, GEORGE FERGUSON (1856). *LIFE OF MOHAMMAD*. BOMBAY: L.M. D,SOUZA,S PRESS.
Bush, George (1837). *The life of mohammed founder of the religion of islam, and of the empire of the saracens*. New york. published by Harper & brothers.
Draycott, G. M. (1916). *Mahomet founder of Islam*. New York: Dodd, Mead & company.
Edith, Holand(1914). *Mohammad*. New York: Fredrick A. Stokes company.
HOURANI , ALBERT (1990). *Islam in European Thought*. Cambridge University.
Sebayang, Alvina Br (2016). "incomprehensive understanding about mohammad a critic over orientalist," *Academic journal of islamic studies* . volume 1. number 1.
WASHINGTON, IRVING(1850). *MAHOMET AND HIS SUCCESSORS*. PARIS: BAUDY SEUROPEAN LIBRARY.
Johnstone, P. De Lacy (1901). *Muhammad and his power*. Edinburgh: T. & T. Clark.
MILLES, CHARLES (1818). *AN HISTORY OF MUHAMMEDANISM*. LONDON: KINGSBURY.

LUTHER, MARTIN. ON WAR AGAINST ISLAMIC REIGN OF TERROR.{
<http://www.lutherdansk.dk>}.

Muir, William (1858), Life of Mahomet, London: Smith, Elder, Co., 15 Waterloo Place

STIDALL, W.ST.CLAIR (1895). THE RELIGION OF THE CRESCENT. .
LONDON:SOCIETY FOR PROMOTING CHRISTIAN KNOWLEDGE

STOBART, J.W.H. (1878). ISLAM & ITS FOUNDER.LONDON:SOCIETY FOR
PROMOTING CHRISTIAN LNOWLEDGE.

S.M.Imam Uddin(196V0).*Modern history of the Middleeast and North
Africa*.Pakistan:Syndicate press.P.15.

KNOLLES,RICHARD *THE TURKISH HISTORY FROM THE PRIGINAL OF THE NATION
TO THE GROWTH THE OTTOMAN EMPIRE*.LONDON:CHURCH IN
FLEETSTREET.P.P.16-7.

ZWEMER, SAMUEL M (1916). THE DISINTEGRATION OF ISLAM.LONDON AND
EDINBURGH: FLEMING H. REVELL



©2020 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons [Attribution-NonCommercial 4.0 International](https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) (CC BY-NC- ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

Investigating how the Battle of Badr is reflected in the texts of the English-speaking orientalists of the Victorian period¹

Yasaman Yari²

Received: 2022/12/31
Accepted: 2023/04/10

Abstract

The concept of Islam, the religion of the sword, has many adherents in the world today. A Much of this thought was created by early Islamic historians. These writers placed great emphasis on the wars of the Prophet of Islam. And later ignorant writers intensified this process. The Battle of Badr has the greatest resonance in the historical sources of early Islam, which provided later biographers with important information about the Battle of Badr. The Orientalists of the colonial period also used these data a lot for various purposes, making some events appear important while downplaying or deleting others. This review helps to know the author's performance and intellectual orientation as well as the degree of his bias, and it reveals the author's degree of hostility or neutrality toward the Prophet of Islam. Examine how the Battle of Badr is reflected in the texts of English-language Orientalists of the Victorian period.

keywords: The Battle of Badr, Hazrat Mohammad, Orientalists, Victorian period, Concept of violence.

1. DOI: 10.22051/hph.2023.43522.1664

2. Postdoctoral Researcher from Alzahra University, Tehran. Iran. yari_yasaman@yahoo.com
Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507